

نامه‌ای به دبیر جشنواره شعر



عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

سلام و درود خدمت حضرت میرافضلی عزیز

شاید اگر شخص دیگری را به دبیری جشنواره شعر فجر برمی‌گزیدند، این چند خط را نمی‌نوشتیم. چنان که در این سال‌ها ننوشتیم. ضرورتی هم نداشت. حقیقت‌اش را بخواهی الان هم ضرورتی ندارد جز آن که فکر می‌کنم احتمال دارد حضرتت بر خلاف دیگر دوستانی که در این سال‌ها عهده‌دار چنین مسئولیتی بوده‌اند، حرف‌هایم را جدی‌تر بگیری. حتماً خوب می‌دانی که سنگ‌بنای جشنواره شعر فجر از ابتدا کج گذاشته شد و به‌همین دلیل هیچ‌وقت نتوانست در حد و اندازه‌های یک جشنواره درست و حسابی و معتبر ظاهر شود. درست بر خلاف جشنواره فیلم فجر که چون پایه و مایه درستی داشت، با همه‌افت و خیزهایش هنوز هم قابل تحمل است. با این حال و به‌دلیل دوری از مرکز اتفاقات، شاید بعضی از فجایع را چنان که شاید و باید لمس نکرده‌ای. من از سر خوش‌شانسی یا بدشانسی از نزدیک دیده‌ام که دوستان متولی برگزاری نخستین جشنواره شعر فجر، چقدر دستپاچه و بی‌برنامه آن را برگزار کردند. در سال‌های بعد هم وضع بهتر نبود. شاید به این دلیل که شعر سالیان‌سال از دایره توجهات بیرون مانده بود و هنوز درست و حسابی نمی‌دانستند چه باید کنند. این بود که اولین چیز در نظر آن‌ها رسیدگی به حال‌وروز معیشتی شاعران بود. اتفاق خوبی که می‌توانست بیرون از جشنواره بیفتد. این طور که شد، عملاً جشنواره تبدیل شد به حال‌دادن به یکسری از دوستان. دایره برخورداران هم آن قدر محدود بود که در همان سال‌های نخست وقتی می‌خواستند به یکی از شاعران جایزه بدهند، نمی‌دانستند ذیل چه عنوانی باید این کار را انجام بدهند. خوب به‌خاطر دارم، یکی از اساتیدی که از مادر داور متولد شده بود، آمد سراغ من که فلانی یک عنوان پیشنهاد بده تا بتوانیم این قدر سکه به بهمانی بدهیم. این دورهمی‌ها بود تا اینکه دولت روحانی سر کار آمد و امید بود که در حوزه فرهنگ، اتفاقات خاصی رخ بدهد. در همان سال اول عبدالجبار کاکایی، دبیر جشنواره شعر فجر شد و خواست که به‌ساط این دورهمی را جمع کند. انصاف این است که در حد بضاعت‌اش کار کمی انجام نداده و تنوع و تکراری که در هیئت‌آوران جشنواره و هیئت علمی جشنواره ایجاد کرد، قابل تقدیر بود. شاید در آن میان دعوت از بدالله رویایی، کمی بلندپروازانه بود که اگر چه با هیاهوی اهل سیاست ممکن نشد اما همان شد پاشنه آشیل جشنواره و بهانه‌ای که حسابی از خجالت عبدالجبار درآیند. دولت روحانی هم همان سال‌های اول به‌بهانه این که برجام را به‌فرجام برساند تا جایی که نتوانست، کوتاه آمد و دوباره کار افتاد دست همان عده محدود و دورهمی برگزارکنندگان. حالا دیگر همه شعر مملکت افتاده است دست همان عده جایزه‌بگیر. هفت، هشت و ... نفری هستند که مثل زبل خان در همه‌جا حضور دارند. در شعر عاشقانه و آیینی. در شعر کلاسیک و نو. در قصیده و ترانه. در شعر اعتراضی و تبلیغاتی. در شعر طنز و جد. در بیلجوردها، نمایشگاه‌ها و ... بی‌تعارف همه‌شان را بریزی توی چرخ گوشت، یک حسین منزوی که چه عرض کنم، یک بهزاد زرین‌پور هم از درون‌اش در نمی‌آید. البته حضرتعالی این شانس را داری که در وزارت ارشاد دولت پزشکیان، یکی مثل غلامرضا طریقی هست که از سرآمدان شعر امروز ماست؛ اما کار با شاعر و نویسنده پیش نمی‌رود. هنوز هم سر رشته کار، دست آدم‌هایی بیرون از دایره فرهنگ و هنر است. پُرگوئی نکنم. غرض این که جشنواره شعر فجر این قدر اهمیتی ندارد که بخواید با پیشکش کردن عنوان دبیری به تو شآن و منزلتی ببخشند. تو این قدر کار درست و حسابی در حوزه شعر، تحقیق و نقد انجام داده‌ای که حضرات باید کلاه‌شان را بالا بیاورند که بر آن‌ها منت گذاشتی و چنین مسئولیتی را پذیرفته‌ای. پس حالا که کار به این جا رسیده است یا بشکن این دایره تنگ دورهمی برخورداران را و بنای عهدی تازه را بگذار با اصلا بی خیال این عنوان کذایی شو که در نهایت چیزی جز ملال برایت بهار مغان نخواهد آورد. می‌دانم که برهم‌زن بساط عیش و نوش ویژه‌خواران کار آسانی نیست. همه آن‌هایی که در این سال‌ها از قبل همین جشنواره‌ها به سبب استادی رسیده‌اند و از طریق شعر که از حیث اقتصادی فقیرترین هنرهاست، به آلف و الوفی رسیده‌اند، بیکار خواهند نشست و برایت زحمات و دردهای زیادی درست خواهند کرد اما اسلحه که روی شقیقه‌ات نگذاشته‌اند برادر من. از همین امروز با دوستان وزارت ارشاد شرط کن که هیچ توصیه بالادستی را نخواهی پذیرفت و با اختیار تام و تمام این جشنواره را برگزار خواهی کرد. قطعاً با یک گل بهار نمی‌شود و با یک دوره جشنواره خوب برگزار کردن و کاسبان همیشگی شعر را از یک ضیافت محروم کردن، اتفاق خاصی نمی‌افتد اما دست کم حیثیت و آبروی تو که یکی از نجیب‌ترین و آدم‌حسابی‌ترین‌های شعر و ادب این روزگاری، محفوظ می‌ماند. و همین ما را بس.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



آفات مداخلات دستوری

خواسته مشترک اکوسیستم استارت‌آپی ایران عدم مداخله دولت در اقتصاد پلتفرمی است

وزارتخانه گرفته تا نهادهای زیرمجموعه نظام قضایی با تنظیم گرانی مانند سازمان حمایت از مصرف‌کننده یا شورای رقابت، به‌مثابه بخشی از استیت یا دولت تحلیل می‌شود.

▼ دوگانگی خطرناک در رد و تمای تنظیم‌گری

با این چارچوب، گویی نوعی تناقض گفتمانی در مواجهه با دولت به‌مثابه تنظیم‌گر در این جا قابل مشاهده است. امید به ایجاد فضای رقابتی بازار توسط یک نهاد حاکمیتی و پذیرش نقش مداخله‌گر دولت در بازار، درواقع ضد فضای آزادانه همان پلتفرم‌هایی عمل می‌کند که اکنون از دخالت‌های دولت به ستوه آمده‌اند. در این رویکرد دولت‌گرا و دستوری، دولت به‌شکل یک «سفره» تصور می‌شود و بازیگران بازار، بخشی از آن را برای منافع خود مفید می‌دانند و بخش دیگر را تهدید تلقی می‌کنند. درحالی که دولت مدرن، همچون یک ارگانسیم واحد عمل می‌کند؛ نه همان قدرت دوباره‌ای که وقتی از عدالت سخن می‌گوییم به آن متوسل می‌شویم و وقتی از آزادی سخن می‌گوییم از آن فاصله می‌گیریم. نمی‌توان از دولت خواست در یک حوزه به‌عنوان داور حضور یابد و در حوزه دیگر خاموش بماند. این دوگانگی، درواقع همان تششت تئوریکی است که می‌تواند بازیگران بازار را از ثبات گفتمانی بازدارد و به دام قسمی آپورتوئیسیم بیاندارد.

▼ پلتفرم‌ها خالق بازارند نه انحصار

نظم اقتصاد پلتفرمی را نمی‌توان با قواعد تجارت سنتی سنجید. پلتفرم‌ها بازار را نمی‌بلعند؛ آن را خلق می‌کنند. آن‌ها زیرساخت‌های اعتماد، تقاضا و کارایی را می‌سازند و از طریق خلق بازارهای جدید و سرمایه‌گذاری در آن‌ها، هزینه ورود و بیا را کاهش می‌دهند. پلتفرم‌هایی مثل سامانه‌های سفارش غذا یا حمل‌ونقل، تنها نقش یک واسطه ساده را بازی نمی‌کنند؛ آن‌ها با ایجاد یک زیرساخت مشترک، هزینه‌های عملیاتی و معاملاتی را برای فروشنده و مشتری هم‌زمان پایین می‌آورند. در این زمین بازی، مثلاً رستوران‌ها دیگر مجبور نیستند برای سیستم پرداخت، مدیریت مشتری، ارسال یا بازاربایی به‌شکل جداگانه سرمایه‌گذاری کنند و از سوی دیگر، مشتری هم با یک مسیر ساده‌تر و شفاف‌تر روبه‌رو می‌شود؛ سازوکاری که بسیار کارآمدتر و ارزان‌تر عمل می‌کند. در ادامه همین منطق، سرمایه‌گذاری در این حوزه شامل آموزش‌های تخصصی یا حمایت‌های لجستیکی، مالی و نرم‌افزاری پلتفرم‌ها که گاهی از بیرون شبیه ایجاد وابستگی دیده می‌شوند، در اصل ادامه همان زیرساخت هستند؛ نوعی سرمایه‌گذاری روی توانمندتر شدن فروشنندگان. وقتی یک پلتفرم روی بهبود لجستیک، ارتقای کیفیت، تبلیغات بهینه برای شرکای خود هزینه می‌کند، نتیجه‌اش محدود شدن رقابت نیست، بلکه برعکس، بازاری است با بازیگران قوی‌تر و خدمات با کیفیت بالاتر. از همین‌روست که فعالیت پلتفرم‌ها به‌نجوی خودبسنده و خودتنظیم‌گر زمینه‌ساز رشد رقابت است و نیازی به مداخلات آمرانه نهادهای بیرونی ندارد.

▼ بازگشت به محل اجماع اکوسیستم استارت‌آپی

تصمیم‌های سیاستی یا قضایی که از این منطق غافل‌اند، درواقع به‌جای تنظیم، روند بلوغ بازار را مختل می‌کنند. در این میان ذی‌نفعان اکوسیستم دیجیتال ایران اگر باور دارند که دولت باید برای تنظیم بازار و حمایت از رقابت سالم مداخله کند، باید همان مداخله را در حوزه‌های دیگر نیز به‌رسمیت بشناسند، حتی اگر در کوتاه‌مدت به زیان‌شان باشد. در نهایت اکوسیستم استارت‌آپی تنها زمانی می‌تواند به خودبستگی برسد که از نوسان میان انکا و تقابل با دولت‌رها شود و به آن چه مورد اجماع اکثریت اهالی آن است (عدم مداخله دولت) تکیه کند؛ به جایگاهی که در آن، مشروعیت خود را نه از حمایت دولت بلکه از توان درونی‌اش در تخریب خلاق و رقابت آزاد می‌گیرد. این بازتعریف رابطه با دولت، شرط بلوغ نهادهای و بقادر اقتصاد دیجیتال ایران است.

گروه فناوری: در سال‌های اخیر، برخوردهای سلبی با پلتفرم‌های مطرحی از جمله دیجی کالا، دیوار، اسنپ، تپسی و برندهای جوان‌تری مثل پلتفرم‌های عرضه آنلاین طلا سبب‌شده تا اعضای این اکوسیستم حول محور هدفی مشترک یعنی «عدم مداخله دولت» گرد هم آیند. با این وجود، برخی گفتمان‌های دستوری و دولت‌گرا هنوز خواهان مداخله دولت در موضوعاتی مانند بازار سفارش آنلاین غذا هستند.

در ماه‌های اخیر نیز، بار دیگر مسئله دخالت دولت در اقتصاد پلتفرمی به‌بهانه خبر تغییر مرجع صدور مجوز تاکسی‌های اینترنتی از وزارت ارتباطات به وزارت کشور و شهرداری‌ها مورد توجه قرار گرفت و هرکدام از فعالان این حوزه به‌نجوی انتقادات خود را به این طرح وارد کردند. اعضای این اکوسیستم معتقدند، بازگرداندن نهاد مجوزدهی به شهرداری‌ها نوعی عقبگرد است که درواقع باعث متضرر شدن صنعت حمل‌ونقل آنلاین، رانندگان و کاربران خواهد شد.

▼ سدّ تنظیم‌گری بر سر راه سرمایه‌گذاری

همچنین آن‌چه در بین اهالی اقتصاد به «قیمت‌گذاری دستوری» مشهور است، نزدیک به همان مسیری است که نهادهای رگولاتور ایران دنبال می‌کنند. رویکردی که اساساً ضد منطق اقتصاد آزاد پلتفرمی عمل می‌کند و بیش از آن که از منطق سرمایه‌گذاری و بازار آزاد حمایت کند، به دنبال محدودسازی پلتفرم‌ها و سیاست‌های توزیعی است. رویداد «بررسی موانع پنگاه‌داری در اقتصاد ایران: تله قیمت‌گذاری دستوری» که اخیراً برگزار شد، دربردارنده نظرات اهالی کسب‌وکار در همین باره بود. در این نشست مدیران تپسی، آبان‌تر و ازکی، درباره اقتصاد دستوری و دخالت دولت در اقتصاد هشدار دادند و پیامدهای منفی ناشی از دستکاری مکانیسم طبیعی قیمت‌گذاری را برشمرند.

در پندل دیگر این نشست نیز حسام آرمندهی، بنیان‌گذار دیوار از نابودی روند جذب سرمایه در ایران و ناهمخوانی اقتصاد دستوری با منطق سرمایه‌گذاری گفت. همچنین دکتر موسی غنی‌نژاد، راهکار نجات اقتصاد ایران را دوری از شعارهای عوام‌فریبانه و انحلال نهادهایی مثل سازمان حمایت از مصرف‌کننده دانست تا راه برای فعالیت مولد تولیدکنندگان خلاق هموارتر شود.

▼ نابودی انگیزه سرمایه‌گذاری؛ نتیجه مداخلات دستوری در بازار تاکسی اینترنتی و سفارش آنلاین غذا

گرچه قاطبه فضای اکوسیستم استارت‌آپی در ایران همواره خودتنظیمی بازار آزاد و مداخله حداقلی دولت را در دستور کار خود قرار داده، اما در برخی موارد شاهد بروز و ظهور گفتمان دولت‌گرا نیز هستیم. به‌عنوان مثال، ورود شورای رقابت به بازار سفارش آنلاین غذا و پرونده اسنپ‌فود، یکی از نمونه‌های بارز دخالت یک نهاد دولتی و سنتی در فضای اقتصاد پلتفرمی بود. در بحبوحه جریان‌ات حامی کوچک‌سازی پلتفرم‌های بزرگی مانند اسنپ‌فود، منتقدان این نوع احکام دستوری شورای رقابت معتقدند صدور این نوع آراء علیه پلتفرم‌های خلاق بازار، ضد منطق سرمایه‌گذاری در اقتصاد پلتفرمی عمل می‌کند. همچنین صدور رأی به ابطال قراردادهای آزادانه میان یک پلتفرم و تعدادی از رستوران‌ها، هم خلاف مبانی حقوق رقابت است و هم با دامن‌زدن به بروز پدیده مخرب «سواری مجانی»، سبب از دست‌رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری در اقتصاد متلاطم ایران است؛ همان چیزی که امروز، منتقدان مداخله دولت به‌بحث مجوز تاکسی‌های اینترنتی به آن اذعان دارند.

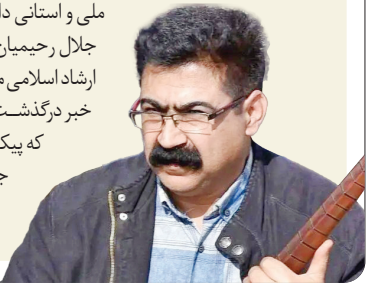
در عین حال می‌دانیم که در ادبیات علوم اجتماعی، واژه دولت صرفاً به «Government» یا مجموعه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی دولت اشاره ندارد، بلکه به‌معنای «State» است؛ یعنی کلیت نظام حکمرانی و سازوکارهای حاکمیتی که نظم اجتماعی را شکل می‌دهند. آنتوسر به‌همین معنا از آپاراتوس یا ساز و برگ دولت نام می‌برد. بنابراین از یک

www.hammihanonline.ir
روزنامه
مهر

چهره

درگذشت دوتارنواز خراسانی

روز گذشته، مجید هنرمند، دوتارنواز و پیشکسوت موسیقی مقامی باخرز، پس از دوره‌ای مبارزه با بیماری در ۵۱ سالگی درگذشت. او که متولد سال ۱۳۵۳ در استان خراسان رضوی بود، ۳۰ سال از عمر خود را صرف ترویج موسیقی مقامی و دوتارنوازی کرد. خطه تاریخی باخرز، یکی از خاستگاه‌های موسیقی مقامی و دوتارنوازی در شرق خراسان است که مجید هنرمند، یکی از ۷۰ نفر فعال در این عرصه بود. این نوازنده دوتار در طول عمر هنری خود از محضر بزرگانی همچون غلامحسین سمندری و غلامعلی پورعطایی تأثیر گرفته بود. او ضمن راه‌اندازی کارگاه ساخت دوتار، موسیقی مقامی شرق خراسان را در محافل هنری کشورهای آسیای میانه و افغانستان طنین‌انداز کرده است. برخی از آثار این هنرمند باخرزی در صداوسیما ضبط‌شده و اجراهای متعددی هم در صحنه‌های مختلف ملی و استانی داشته است. روز گذشته، جلال رحیمیان، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی منطقه باخرز، ضمن اعلام خبر درگذشت این هنرمند اعلام کرد که پیکر او در زادگاهش روستای جیزآباد باخرز به خاک سپرده شده است.



کتابخانه

راز ماندگاری جمهوری اسلامی

نشرنی اخیراً کتاب «نبرد قدرت در ایران در دوره جمهوری اسلامی»، نوشته محمد سمیعی را چاپ کرده است. سمیعی در این کتاب، ضمن بیان و تحلیل چالش‌های جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب، تحلیلی جامع و جذاب از چگونگی پایداری جمهوری اسلامی ارائه داده است. محمد سمیعی که پیش از این در کتاب «نبرد قدرت در ایران» به بررسی و تحلیل تاریخی و اجتماعی ایران و روحانیت از زمان صفویان تا پیروزی انقلاب اسلامی نویسنده: محمد سمیعی پرداخته بود، این بار در «نبرد قدرت در ایران انتشارات: نی» در دوره جمهوری اسلامی» سعی می‌کند تا به



کتاب: نبرد قدرت در ایران در دوره جمهوری اسلامی

این پرسش پاسخ بدهد که چرا و چگونه جمهوری اسلامی توانست در برابر تمام مشکلات مقاومت کند؟ کتاب با این مقدمه شروع می‌شود که جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا با چهار مشکل بزرگ از جمله ناسازگاری درونی، وضعیت نامتعرف در نظام بین‌الملل، دشمنان فراوان و کارنامه‌ای نه‌چندان درخشان در مقایسه با کشورهای هم‌سطح روبه‌رو بوده و هنوز هم هست. خواننده با مطالعه این اثر، ضمن درک روند تاریخی و سیاسی جمهوری اسلامی با پیچیدگی‌های حفظ یک نظام سیاسی در محیطی پرتنش و پرچالش هم آشنا می‌شود. نشرنی این کتاب را در ۵۹۶ صفحه و به قیمت ۸۵۰ هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ

انقلاب ملایم چک



«انقلاب مخملی» یا «انقلاب ملایم»، انتقال قدرتی بدون خشونت در چکسلواکی سابق بود که از ۱۷ نوامبر ۲۸ نوامبر ۱۹۸۹ رخ داد، بدین ترتیب تظاهرات مردمی دانشجویان و سایر مخالفان علیه دولت

کمونیستی چکسلواکی به ۴۱ سال حکومت تک‌حزبی پایان داد و شکل جدید دولت مبتنی بر جمهوری پارلمانی را پایه گذاشت. این حرکت انقلابی از روز ۱۷ نوامبر (روز جهانی دانشجویان) آغاز شد؛ جایی که پلیس ضدشورش، تظاهرات دانشجویی در پراگ را سرکوب کرد. این رویداد پنجاهمین سالگرد تظاهرات بود که در دانشگاه پراگ به‌شدت نازی‌ها سرکوب شده بود و در جریان آن ۱۲۰۰ دانشجوی دستگیر و ۹ نفر کشته شده بودند. رویداد ۱۹۸۹ جرقه‌ای برای مجموعه‌ای از تظاهرات از ۱۷ نوامبر تا اواخر دسامبر شد و به تظاهراتی ضد کمونیستی تبدیل شد. در ۲۰ نوامبر، تعداد معترضان حاضر در پراگ از ۲۰۰ هزار نفر در روز قبیل به حدود ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافت. تمام رهبران ارشد حزب کمونیست از جمله دبیرکل میلوش یاکش، در ۲۴ نوامبر استعفا دادند. در ۲۷ نوامبر، یک اعتصاب عمومی دوساعته با حضور همه شهروندان چکسلواکی برگزار شد. در نهایت حزب کمونیست در ۲۸ نوامبر از قدرت کناره‌گیری کرد.